

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها:۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پيام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترت روزنامه

چهارشنبه ۵ آذر ۱۴۰۴ • ۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ • ۲۶ نوامبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۶۴ • ۱۲ صفحه • اذان ظهرتهران ۱۱:۵۲ • اذان مغرب ۱۷:۱۲ • اذان صبح فردا ۵:۲۳ • طلوع آفتاب ۶:۵۲

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

قتل طبیب و فرهنگ عمومی



بابک زمانی

نورولوژیست

کنار بیاید؟ و نقش عوامل متعددی را که برای خود او یا جامعه ناشناخته هستند، دخیل بدانند؟ اقدامات پزشکی و در یک کلام دانش مدرن در حال فروپاشی بنیادهای کهن هستند. قیدوبندهایی که قدمت چندهزارساله دارند و تاکنون عبور از این معبر دهشتناک چندده‌ساله را با ترسیم سقفی بر انتظارات و تلقین رضایت و دانستن قدر آنچه هست، تنها اندکی آسان‌تر می‌کردند. فروپاشی این ستون‌ها، البته راهی به سمت آینده است، اما در عین حال برداشته‌شدن حد و مرز و سقف انتظارات انسان‌هایی است که هزاران سال محدود و مسقف زندگی کرده بودند.

قرار نیست به گذشته بازگردیم و از خوف مشکلاتی که دانش مدرن به‌خصوص در جوامع بدوی‌تر ایجاد می‌کند، در سرپناه سست عادات قدیم، جا خوش کنیم؛ این کار دیگر غیرممکن است و آن سرپناه به شکلی برگشت‌ناپذیر ویران شده. همان دولتی که هنوز مهم‌ترین امکاناتش در اختیار کسانی است که می‌خواهند آن سرپناه را ترمیم کنند و از این تلاش دست نمی‌کشند، به شکل اجتناب‌ناپذیری پانی گسترش دانش جدید با سلحشورانی از نوع جدید در اقصی‌نقاط کشور بوده است. سلحشورانی سفیدپوش با سلاحي به نرمی و نازکی یک روان‌نویس! و کتاب‌هایی که دیگر حتی جسمی ندارند و در کسری از ثانیه به شکلی نورانی ظاهر

حقوق خوانی

«حق حیات» گم‌شده در هاله‌ای از گردوغبار



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

این برآورد با تقسیم تعداد کل مرگ‌ومیرهای سالانه (۳۰ هزار نفر) بر تعداد ذایق یک سال (۵۲۵هزار و ۶۰۰ دقیقه) به دست می‌آید که حاصل آن رقمی حدود ۱۷ دقیقه برای یک مورد مرگ است. این محاسبه ساده، ابعاد انسانی و ملموس بحران آلودگی هوا را روشن‌تر کرده و ضرورت اقدام فوری برای کاهش این مرگ‌ومیر خاموش را برجسته می‌کند. این رقم نسبت به سال ۱۴۰۲ که حدود ۲۶ هزار نفر بود، افزایش درخور توجهی را نشان می‌دهد. تا امروز که شش ماه از اردیبهشت می‌گذرد، این آمار افزایش نیز یافته است.

در شهر تهران، جدا از آلودگی ناشی از خودروها و موتورسیکلت‌ها، سه عامل دیگر یعنی وارونگی هوا به دلیل سرمای نیمه دوم سال، کاهش محسوس نزولات جوی و سوخت مازوت، دلایل تشدید این میزان آلودگی هستند. مجلس شورای اسلامی با هدف کنترل آلاینده‌ها در ۲۵ تیرماه ۱۳۹۶ «قانون هوای پاک» را به تصویب رساند. در ماده یک آلودگی هوا این‌گونه تعریف شده است: «انتشار یک یا چند آلاینده اعم از آلاینده‌های جامد، مایع، گاز، پرتوهای یون‌ساز و غیریون‌ساز، بو و صدا در هوای آزاد، به صورت طبیعی یا انسان‌ساخت، به مقدار و مدتی که کیفیت هوا را به‌گونه‌ای تغییر دهد که برای سلامت انسان و موجودات زنده، فرایندهای بوم‌شناختی (اکولوژیکی) یا آثار و ابنیه زیان‌آور بوده یا سبب از بین رفتن یا کاهش سطح رفاه عمومی گردد». در ۳۴ ماده این قانون راهکارهای متعددی برای پیشگیری و پیگیری

در ماجرای قتل متخصص قلب باسوج و اعدام و بزرگداشت قاتل مطالب زیادی مطرح شد، اما اینکه این بیمار مبتلا به سکتة قلبی شده بود و دلیل آنکه چرا این بیمار فوت کرد، زیاد مورد توجه قرار نگرفت. اما چرا این نکته محوری واجد بیشترین اهمیت است؟

قتل این طبیب در جریان برنامه ملی درمان سکتة قلبی با عنوان «طرح ۲۴۷»، و برنامه ملی درمان سکتة مغزی حاد با عنوان «طرح ۷۲۴» رخ داده است. این برنامه ۱۰ سال پیش با همت معاونت درمان وزارت بهداشت و انجمن‌های قلب و سکتة مغزی در کشور شروع و اجرا شد و موفقیت‌های بسیاری داشته است. تعداد درخور توجهی از بیماران در ساعات اول درمان شدند و نجات پیدا کردند.

بسیاری از درمان‌ها به‌ویژه در سکتة مغزی توسط پزشکان جوانی انجام شده که امکانات کافی (که بر نتیجه مؤثر می‌افتد) نداشتند و از کمبودهای بسیار رنج می‌بردند؛ این درمان‌ها که در شهرهای کوچک و روستاها حتی بهتر از شهرهای بزرگ انجام شد، تنها با همت و وظیفه‌شناسی پزشکانی انجام شد که در کشور مانده‌اند و نه به کار زیبایی که به تخصص خود می‌پردازند؛ با این همه، هدف عملاتی هستند که مردم در اعتراض به کمبودهای واقعی سیستم سلامت انجام می‌دهند.

قتل دکتر داوودی پیام‌های مهمی دارد؛ درمان سکتة‌های قلبی مرگبار آن‌قدر مفهوم تقدیر را خدشه‌دار کرده که حتی در بیماری‌ای که امید درمان یک از چند بیمار است نیز انتظار بهبودی صد‌صد داشته و در صورت مرگ به‌جای تقدیر و توجیحات چندهزارساله، نه‌تنها طبیب را مقصر بلکه قاتل می‌دانند و حتی قصاص می‌کنند.

عجب‌تر آنکه بسیاری هم دوا‌رودر به‌جای سکتة قلبی، طبیب را قاتل می‌نامند. راستی چنین ذهنیتی که در آن مفهوم «تقدیر» به کلی فروریخته، چگونه می‌تواند با سایر مصائب پزشکی و غیرپزشکی خود

تجربه نشان داده انتقاد از نابسامانی‌ها، اثر چندانی در رویه‌های جاری مدیریتی ندارد و احتمال اینکه سخنی شنیده و تغییری در رفتار مدیریتی حاصل شود، بسیار کم است. به قول یکی از دوستان که در انتهای پیشگفتار کتاب‌های خود می‌نویسد «همچنان امید…»، تلاش می‌شود از زاویه قوانین و مقررات نظام حقوقی، وضعیت بحرانی آلودگی هوا بررسی شود. هم‌اکنون که نگارنده در حال نوشتن این خطوط است، آسمان تهران را دود فراگرفته و به دلیل اطلاع‌رسانی دیرهنگام، ناقص و غیرشفاف دستگاه قضائی درباره تعطیلی یا عدم تعطیلی مراجع قضائی پایتخت، مشخص نیست فردا جلسات دادرسی انجام می‌گیرد یا خیر. اصل احتیاط ایجاب می‌کند در چنین مواقعی به مرجع قضائی مراجعه شود تا در صورت تشکیل جلسه، فرصت از دست نرود.

تردید وجود ندارد که مهم‌ترین حق آدمی، حق حیات است. اول باید انسانی وجود داشته باشد تا سپس صاحب حق و تکلیف شود. در همه نظام‌های حقوقی این انسان‌ها هستند که طرف حق و تکلیف قرار می‌گیرند و اشخاص حقوقی نیز در نهایت توسط همین افراد اداره می‌شوند. به همین دلیل در ماده ۳ «اعلامیه جهانی حقوق بشر» به حق حیات پرداخته شده است: «هرکس حق دارد که از زندگی، آزادی و امنیت شخصی برخوردار باشد». برای تضمین این حق بنیادین، در «میناق حقوق مدنی و سیاسی» (۱۳۵۴) با تفصیل بیشتری به موضوع پرداخته شده است: «حق زندگی از حقوق ذاتی انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت شود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) از زندگی محرم کرد». از بین بردن حیات انسان همیشه به شکل مستقیم و ارتکاب جرم قتل عمدی نیست؛ گاهی ناخواسته، غیرعمدی و در طول زمان انجام می‌گیرد.

براساس گزارشی که اردیبهشت امسال در روزنامه «شرق» منتشر شد، در سال ۱۴۰۳ بیش از ۳۰ هزار نفر در ایران به دلیل آلودگی هوا جان خود را از دست دادند. این رقم به معنای آن است که به‌طور میانگین، هر ۱۷ دقیقه یک نفر در کشور قربانی آلودگی هوا می‌شود.

نارنجی خوانی

هیچ بهانه‌ای

برای خشونت آنلاین وجود ندارد

روزهای نارنجی در سراسر جهان آغاز شده است؛ از ترکیه تا آلمان و از استرالیا تا دومینیک. امسال و از ۲۵ نوامبر سازمان ملل و سازمان‌های زیرمجموعه آن برای ۱۶ روز جهان بدون خشونت علیه زنان، برای رفع «خشونت آنلاین» اقدام کرده‌اند. معمولاً تلاش‌های این سازمان‌های بین‌المللی بسیار ابتدایی و ساده است و سعی می‌کنند تا حداقل‌ها را در نظر بگیرند؛ به‌خصوص وقتی شرایط این‌قدر برای زنان سخت و خشونت‌بار است.

طبق آمار

● ۳۸ درصد زنان خشونت آنلاین را تجربه کرده‌اند و ۸۵ درصد شاهد خشونت دیجیتال علیه دیگران بوده‌اند. ● اطلاعات نادرست و افترا رایج‌ترین شکل خشونت آنلاین علیه زنان است. ۶۷ درصد زنانی که خشونت دیجیتال را تجربه کرده‌اند، از به‌کارگیری این روش گزارش داده‌اند. ● ۹۰ تا ۹۵ درصد تمام دیپفیک‌های آنلاین، تصاویر پورنوگرافیک بدون رضایت هستند و حدود ۹۰ درصد آنها زنان را نشان می‌دهند. ۷۳ درصد زنان خبرنگار گزارش داده‌اند که خشونت آنلاین را تجربه کرده‌اند. ● کمتر از ۴۰ درصد کشورها قوانینی برای محافظت از زنان در برابر آزار سایبری یا تعقیب سایبری دارند. به این معنا که ۴۴ درصد زنان و دختران جهان -معادل ۱.۸ میلیارد نفر- به حمایت قانونی دسترسی ندارند.

شعار امسال این است: «برای پایان دادن به خشونت دیجیتال علیه همه زنان و دختران متحد شویم». به‌خصوص که یک زن از هر سه زن تقریباً توسط نزدیک‌ترین فرد خانواده مورد خشونت فیزیکی قرار می‌گیرد و حتی درناک‌تر اینکه هر ۱۰ دقیقه یک زن یا دختر به دست شریک صمیمی یا اعضای خانواده‌اش کشته می‌شود. البته شرایط خشونت آنلاین متفاوت است، بااین‌حال در شرایط کنونی «امنیت دیجیتال» بخش جدایی‌ناپذیر «برابری جنسیتی» است. از این‌رو سازمان‌ها و کشورهای متعدد می‌کوشند در این روزهای نارنجی بر این نکته تأکید کنند که فضاهای آنلاین و دیجیتال باید زنان و دختران را توانمند کنند؛ درحالی‌که برای میلیون‌ها زن و دختر، جهان دیجیتال هر روز به میدان مین آزار، تهدید و کنترل تبدیل شده است.

زنان و دختران به شکل گسترده‌ای در معرض خشونت آنلاین قرار دارند؛ ازجمله:

● سوءاستفاده مبتنی بر تصویر (انتشار بدون رضایت تصاویر خصوصی) ● آزار اینترنتی و تهدیدهای آنلاین ● تصاویر و محتوای جعلی تولیدشده با هوش مصنوعی (دپ‌فیک) مانند تصاویر یا ویدئوهای جنسی جعلی ● سخنان نفرت‌انگیز و اطلاعات نادرست در شبکه‌های اجتماعی ● «اکسپلینگ»، انتشار اطلاعات خصوصی ● تعقیب یا نظارت آنلاین برای کنترل فعالیت‌های فرد ● قرب آ آنلاین و بهره‌کشی جنسی ● جعل هویت و «کت‌فیشینگ».



این اعمال فقط آنلاین نیستند و اغلب به خشونت خارج از اینترنت نیز منجر می‌شوند؛ مانند اجبار، خشونت فیزیکی و حتی قتل زنان. آسیب‌های این خشونت‌ها گاهی طولانی است و بازماندگان را سال‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سویی زنان بیشتر از مردان در معرض خشونت دیجیتال قرار می‌گیرند، به‌خصوص زنانی که در عرصه عمومی یا فضای آنلاین فعال هستند؛ مانند کنشگران، روزنامه‌نگاران، زنان سیاستمدار و مدافعان حقوق بشر. در این میان، تعداد زنانی که درگیر تبعیض‌های چندگانه مانند «نژاد، رنگ یا معلولیت» هستند نیز بیشتر است. خشونت آنلاین به دلیل عواملی همچون ضعف قوانین فناوری، نبود شناسایی حقوقی این نوع خشونت در برخی کشورها، مصونیت عملی پلتفرم‌ها، اشکال جدید سوءاستفاده‌ها یا هوش مصنوعی، جنبش‌های ضد برابری جنسیتی، ناشناسان یون‌عاملان و نبود حمایت کافی از قربانیان دیجیتال رو به افزایش است. این نکته را دراییم و در نظر بگیریم که خشونت دیجیتال، خشونت واقعی است و هیچ بهانه‌ای برای خشونت آنلاین وجود ندارد.

طنزخوانی

خطمان شده رنگ بختمان



آیدین سیارسریع

- چه خبر؟

+ ظاهراً تنظیمات توئیتر جوری شده که

مشخص شده عده‌ای اینترنت بدون فیلتر

استفاده می‌کردن.

- شما هم داشتی؟

+ نه آقا.. ما که خطمون مثل بختمون

سیاهه.

- فیلترشکن می‌خری؟

+ بله.

- کار هم می‌کنه؟ پس برای چی حرص

می‌خوری؟

+ آخه عجیبه. طرف معتقده دسترسی

همه باید به اینترنت آزاد محدود بشه، بعد

خودش بدون فیلتر میاد توئیتر.

- مگه بدش نمیاد از توئیتر؟ چرا میاد

توئیتر؟

+ مثل این می‌مونه که شما یه مهمونی

دعوت شی، بعد از میزبان بدت بیاد ولی با

این حال بری و شام هم بخوری و دسرم

بری بالا و بعدش بگی تف تو این مهمونی،

خیلی بدم میاد ازتون.

- بعدشم بگی هیچ‌کس حق نداره بره

مهمونی.

+ آره.

- فقط همینا خط سفید داشتم؟

+ نه. به‌سری هم بودن طرفدار آزادی

اینترنت.

- شاید طرفدار آزادی اینترنت خودشون

بودن.

+ سؤالی که مطرحه اینه که مگه هزینه

یه فیلترشکن چقدره؟

- اونش مهم نیست. آدم وقتی عادت

می‌کنه هزینه زندگیشو خودش نده، ماهی

۳۰۰، ۲۰۰ تومن از جیبش نمی‌ده.

+ حالا ما مجبوریم فرش زبر پامونو

بفروشیم که اموراتمون بگذره.

- عوضش روح‌ت مال خودته.

+ روح می‌خوام چیکار؟

- روختو نیاز نداری؟

+ چطور؟

- اگه نیاز نداری بده به من.

+ مگه خودت روح نداری؟

- گذاشتم دیوار، منتظر مشتری‌ام.

+ کسی هم میاد ببینه؟

- بد نیست. میان ولی نمی‌بینن.

+ چرا؟

- روحه دیگه. دیده نمی‌شه.

+ پس بقیه چطور می‌فروشن؟

- بقیه تو دیوار نمی‌ذارن.

+ این هم نکته‌ای است.

- حالا چیکار کنیم؟

+ به نفس حرف زدیم. یه کم تنفس

کنیم.

(تنفس می‌کنند اما چون جژه گره‌های

حساس هستند، روح‌شان به پرواز

درمی‌آید).

اتفاق خوانی

مدرسه‌ها

باتوق سالمندان می‌شود

سیدجواد حسینی، رئیس سازمان بهزیستی کشور، به مسئله سالمندی پرداخت و تصریح کرد: «پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۴۳۰، ایران ۳۰ درصد جمعیت سالمند خواهد داشت و در سال ۱۴۳۰ به یکی از کشورهای سالخورده دنیا تبدیل خواهیم شد».

حسینی با اشاره به وضعیت سالمندی

در ایران افزود: «میانگین سن بازنشستگی

در ایران ۵۲ سال است، درحالی‌که امید به

زندگی ۷۶ سال است. این یعنی یک‌سوم

از زندگی ما در دوران سالمندی سپری

می‌شود».

حسینی گفت: «بهزیستی باید

مهدکودک سالمند ایجاد کند و برای این کار

ردیف بودجه نیز در نظر گرفته شده است.

سالمندان و کودکان هر دو به نیازهای

چندوجهی یکدیگر نیاز دارند. آیا نمی‌توانیم

سالمندان و کودکان را در کنار هم قرار

دهیم؟ این اقدامی است که می‌تواند در

تقویت پیوند نسلی مؤثر باشد».

این مسئول از یک تفاهم‌نامه عجیب با

وزارت آموزش و پرورش خبر داد و گفت:

«ما با وزیر آموزش و پرورش تفاهم کردیم

تا تمام مدارس کشور یعنی حدود ۱۲۰ هزار

مدرسه به باتوق سالمندان تبدیل شوند.

این باتوق‌ها فرصتی برای ایجاد گفت‌وگو و

پیوندهای نسلی است».

رئیس سازمان بهزیستی خطاب به

مدیران بهزیستی استان‌ها عنوان کرد: «شما

از یک مدرسه آغاز کنید و این باتوق‌ها را

راه‌اندازی کنید».



شاخص آلایندهی هوای تبریز در روزهای اخیر در وضعیت ناسالم برای همه قرار دارد و سایه سرد آلودگی، چهره این شهر را خاکستری و نفس‌ها را سنگین کرده است. عکس: مینا نوعی، مهر

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com